



Juan Carlos Herrera Martinez (RFE/RL)

پرونده‌های حجیم واسیلی میتروخین پس از آن‌که او در سال ۱۹۹۲ جدا شد (به غرب پناهنده شد)، به سرویس اطلاعاتی آم‌آی ۶ بریتانیا تحویل داده شد. پژوهشگران هنوز در حال بررسی این اسناد هستند و کشفیات تازه‌ای به دست می‌آورند
Photo: Juan Carlos Herrera Martinez (RFE/RL)

فراتر از خبر

مأمور کاگب در آمریکا یا جاسوس دو جانبه؟ اسرار یک جاسوس در بایگانی قاچاق‌شده جنگ سرد

۷ دقیقه پیش

مایک اِکل

در سپتامبر ۱۹۵۵، رابرت اف. کندی در قالب یک سفر جاده‌ای غیرمعمول در دوران جنگ سرد به اتحاد شوروی، وارد مسکو شد. یکی از قضات برجسته دیوان عالی ایالات متحده نیز این سناتور آینده آمریکا را همراهی می‌کرد.

مترجم آن‌ها در طول این سفر دوماهه به سرتاسر کشوری که به روی خارجی‌ها بسته بود، یک افسر پیشین ارتش ایالات متحده بود که به زبان روسی تسلط داشت و سمتش در سفارت ایالات متحده در تهران پوششی برای هویت واقعی‌اش به‌عنوان مأمور سی‌آی‌ای بود: فردریک فلوت.

در بازگشت به آمریکا، این سفر توجه گسترده‌ای را به کندی جلب کرد؛ کسی که مسیر سیاسی‌اش هم‌زمان با برادر بزرگ‌ترش جان، رئیس‌جمهور آینده، رو به اوج بود.

سفر به شوروی همچنین باعث جلب توجه به فلوت شد؛ سازمان جاسوسی شوروی، کاگب، برای او نام رمزی «داگلاس» تعیین کرد و طی دو دهه بعد او را زیر نظر گرفت، به این امید که بتواند او را به عنوان جاسوس جذب کند.

این سازمان ممکن است در اوایل دهه ۱۹۷۰ موفق به این کار شده باشد.



Cynthia Carpenter (Courtesy Image)

فلوت در طول جنگ جهانی دوم در شمال آفریقا خدمت کرد. او سپس به فرانسه رفت و در آنجا با جنبش مقاومت فرانسه همکاری و اقدام به خرابکاری در مواضع آلمانی‌ها کرد

جزئیات تلاش مسکو برای نزدیک شدن به فلوت در یک دست‌نوشته منتشرنشده به زبان روسی ثبت شده است که در مجموعه‌ای از اسناد کاگب موسوم به «بایگانی میتروخین» نگهداری می‌شود.

این پرونده‌ها به نام واسیلی میتروخین، متصدی ارشد بایگانی کاگب، نام‌گذاری شده‌اند؛ کسی که سال‌ها صرف گردآوری هزاران صفحه یادداشت کرد و سپس در اوایل دهه ۱۹۹۰، هنگام پناهندگی به بریتانیا، آن‌ها را مخفیانه از کشور خارج کرد.

در چندین صفحه از این دست‌نوشته، تعاملات و نظارت کاگب بر یک آمریکایی با نام رمزی «داگلاس» با جزئیات شرح داده شده است. این نام رمزی در موارد متعددی به کار رفته، اما در این پرونده به‌طور مشخص از نام «فلوت» نیز همراه با جزئیات زندگی‌نامه‌ای منطبق با سوابق دولتی او یاد شده است.

از جمله نکات جالب توجه این است که کاگب در ژوئن ۱۹۷۴ هزینه سفر فلوت از جاکارتا، که به‌عنوان افسر سیاسی سفارت آمریکا در آنجا خدمت می‌کرد، به مسکو را پرداخت کرد و همچنین با تأیید یوری آندروپوف، رئیس کاگب، مبلغ ۱۰ هزار دلار به او داده شد؛ و این‌که فلوت در اواسط دهه ۱۹۷۰ بیش از ۱۰۰ تلگراف محرمانه وزارت خارجه آمریکا را در اختیار مأموران کاگب در واشینگتن قرار داده است.

کوپن ریهل، تحلیلگر پیشین امنیت ملی و ضدجاسوسی آمریکا که نخستین بار به این توصیف از فلوت برخورد و نسخه اصلی پرونده را با رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی به اشتراک گذاشت، گفت: «این پرونده غیرمعمول است، چون موردی از دوران جنگ سرد است که تا پیش از این کسی چیزی درباره‌اش شنیده بود».

ریهل، که اکنون پژوهشگر و مدرس اطلاعات و امنیت بین‌الملل در دانشگاه بروئل لندن است، افزود: «این یک پرونده جاسوسی ناشناخته است».

اسناد میتروخین به سازمان اطلاعاتی بریتانیا، ام‌آی‌۶، تحویل داده شد؛ نهادی که آن‌ها را بررسی کرد و بخش‌های زیادی از آن‌ها را حذف یا محرمانه نگه داشت. مشخص نیست چرا نام فلوت حذف نشده است.

فلوت در سال ۱۹۷۸ از خدمت دولتی آمریکا بازنشسته شد و در سال ۲۰۰۶ درگذشت.

بستگان و دوستان او می‌گویند هرگز چنین ادعاهایی را شنیده‌اند و به‌گفته آن‌ها، تصور این‌که او ممکن است جاسوس شوروی بوده یا به‌طور مخفیانه با کاگب همکاری کرده باشد، مضحک است.

برادرزاده‌اش، رابرت فلوت، گفت اگر فرد با کاگب ارتباطی داشته، به احتمال زیاد با مجوز مقامات بالادستی‌اش در دولت بوده است؛ شاید حتی در چارچوب یک عملیات اطلاعات جعلی.

او در گفت‌وگویی از خانه‌اش در کالیفرنیا گفت: «برایم سخت است باور کنم که او اطلاعات محرمانه واقعی را منتقل کرده باشد. بیشتر باور می‌کنم که اطلاعات جعلی یا اطلاعاتی را منتقل می‌کرده که برای ارتش یا دولت آمریکا زیان‌بار نبوده است».



ستاد سرویس امنیت فدرال روسیه در لوبیانکا در همان ساختمانی قرار دارد که پیش‌تر محل استقرار سازمان پیشین جاسوسی شوروی، کاگب، بود

فلوت گفت: «کاملاً به شخصیت فرد می‌خورد که خودش را نوعی عامل دوجانبه ببیند».

جیم ماتیکس، شریک تجاری فلوت پس از بازنشستگی و از دوستان نزدیک او در سال‌های پایانی زندگی‌اش، گفت: «این‌که فرد بدون هیچ برنامه‌ای واقعاً اسرار را لو بدهد؟ هرگز. محال است، حتی به اندازه یک در یک میلیون. اما این‌که از روی قصد قبلی برای ضربه زدن به دشمن چنین کاری کند؟ بله. چیزی که من از فرد می‌دانم این است که او وطن‌دوستی فوق‌العاده بود و مطمئناً از زیرکی و مخفی‌کاری هم لذت می‌برد».

1921 г.р., уроженец Чикаго, сотрудник посольства США в Тегеране, чем известно было немцу. По матери "Дутлас" полунорведец, по отцу полунемец, окончил в 1942 году "Карлтон колледж", воевал в Северной Африке против армии Роммеля, после войны получил образование в Высшей школе международных отношений в Вашингтоне.

«کندی از ارتباطات فلوت خبر ندارد»

فلوت که در مارس ۱۹۲۱ به دنیا آمد، در نزدیکی شیکاگو و به‌عنوان ارشدترین در میان سه برادر بزرگ شد. او از کالج کارلتون، یک کالج علوم انسانی در ایالت مینه‌سوتا که به‌طور چشمگیری به‌عنوان محل تربیت افسران خدمات خارجی شهرت دارد، فارغ‌التحصیل شد.

او در طول جنگ جهانی دوم در ایتالیا و سپس در فرانسه خدمت کرد؛ جایی که در ماه‌های پایانی جنگ مدتی را با نیروهای مقاومت فرانسه گذراند و در خرابکاری علیه مواضع آلمانی‌ها مشارکت داشت. بنابر سوابق خانوادگی، او تا درجهٔ سرگردی ارتقا رتبه یافت.

پس از فارغ‌التحصیلی از «مدرسه مطالعات بین‌المللی پیشرفته» دانشگاه جانز هاپکینز در واشینگتن، که به‌عنوان یکی از مراکز مهم تربیت دیپلمات‌ها و مأموران اطلاعاتی شناخته می‌شود، به پاریس و مادرید اعزام شد.



Robert Flott (Courtesy Image)

در این عکس بدون تاریخ، فلوت در حالی دیده می‌شود که بر بام ساختمانی در الجزیره، پایتخت الجزایر، ایستاده است. او در جریان جنگ جهانی دوم در شمال آفریقا در ارتش ایالات متحده خدمت می‌کرد

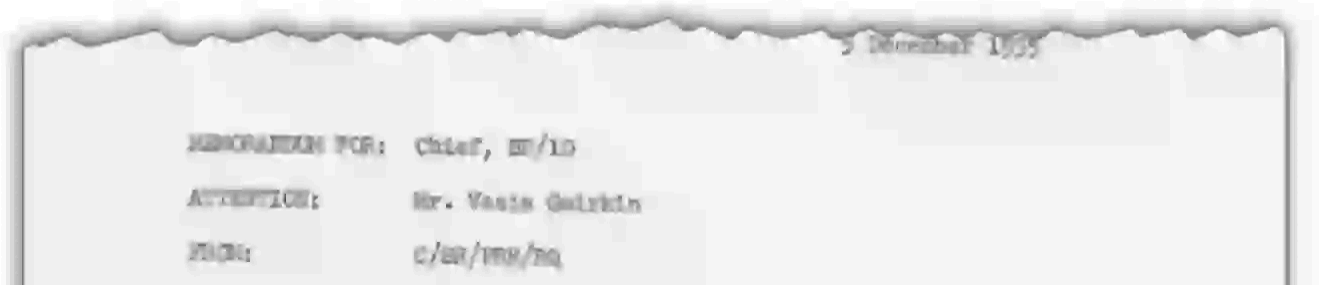
فلوت در مصاحبه‌هایی که سال‌ها پس از بازنشستگی انجام داد، گفت علاوه بر زبان فرانسوی، زبان روسی را نیز یاد گرفته بود. او در ماه‌های پس از کودتای سال ۱۹۵۳، که با حمایت آمریکا و بریتانیا به برکناری

محمد مصدق (نخست‌وزیر ایران) انجامید، به‌عنوان افسر سیاسی در سفارت آمریکا در تهران مشغول به کار شد.

او گفت در آن زمان، مأموران شوروی در ایران در تلاش بودند ناآرامی ایجاد کنند.

فلوت افزود: «احتمالاً مرا به این دلیل به آن‌جا فرستادند که روسی بلد بودم. فکر می‌کردند کسی را بفرستند که اگر روس‌ها وارد شدند، بتواند با آن‌ها تعامل داشته باشد».

او بعدها زبان‌های آلمانی، اسپانیایی، پرتغالی و ایتالیایی را نیز آموخت.



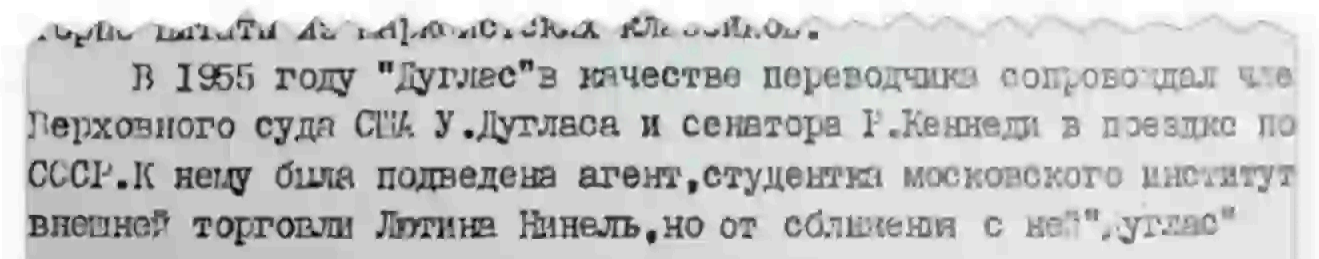
بر اساس اسناد میتروخین، نخستین‌بار در تهران بود که توجه کاگب به فلوت جلب شد؛ زمانی که یک زن گرجی با او تماس گرفت و درخواست کار کرد. فلوت ترتیبی داد تا این زن در یک ایستگاه رادیویی تحت حمایت سی‌آی‌ای مشغول به کار شود که به زبان گرجی برای شوروی برنامه پخش می‌کرد.

برای او نام رمزی «داگلاس» انتخاب شد، هرچند مشخص نیست چرا دقیقاً این نام روی او گذاشتند.

در اوت ۱۹۵۵، سفیر آمریکا به فلوت دستور داد تا رابرت کندی و ویلیام داگلاس، قاضی دیوان عالی، را در سفر جاده‌ای‌شان در سراسر خاک اتحاد شوروی همراهی کند. روزنامه‌های آمریکا به‌طور وسیعی این سفر را پوشش دادند و داگلاس بعدها روایتی اول‌شخص از این سفر برای یک مجله نوشت.

طبق روایت میتروخین، کاگب یک دانشجوی دانشگاهی در مسکو را به کار گرفت تا در جریان این سفر تلاش کند که به فلوت «نزدیک شود»، اما فلوت این تلاش‌ها را پس زد.

چند ماه پس از این سفر، سی‌آی‌ای از کندی بازجویی کرد و دربارهٔ موضوعات مورد علاقه این سازمان، مانند قطر خطوط لوله شوروی و ارتفاع دکل‌های نفتی در باکو در جمهوری آذربایجان، از او پرسیده شد.



مصاحبه سی‌آی‌ای در سال ۲۰۲۵ از حالت محرمانه خارج شد؛ بخشی از مجموعهٔ ۶۴ هزار سندی که به دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، منتشر شدند.

در میان اسناد سی‌آی‌ای، در یادداشتی ردوبدل‌شده در میان مقامات این سازمان توصیه شده بود که به کندی دربارهٔ کارفرمای واقعی فلوت چیزی گفته نشود: «پیشنهاد می‌کنیم در جلسهٔ توجیهی... موقعیت

در حاشیه همین سند نیز به صورت دست‌نویس آمده است: «کندی از ارتباطات فلوت خبر ندارد».

مأموری به نام «دیتا»

فلوت در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ به مأموریت‌های دیپلماتیک آمریکا در ژنو و بن اعزام شد. او بار دیگر نیز به‌عنوان مشاور لوئیس کبوت، از صاحبان صنایع آمریکایی، به اتحاد شوروی سفر کرد.



در دوران جنگ آمریکا در ویتنام، فلوت به‌عنوان مشاور ارشد سفیر هنری کابوت لاج و همچنین مقام‌های عالی‌رتبه نظامی آمریکا خدمت می‌کرد.

بر اساس پرونده میتروخین، فلوت «در جریان این سفر از بیان هرگونه اظهارنظر انتقادی پرهیز کرد، پرسش‌های زیادی درباره زندگی مطرح کرد، اما پرسش‌هایی از نوع کنجکاوانه و موشکافانه که شائبه جاسوسی ایجاد کند، نپرسید».

با عمیق‌تر شدن حضور نظامی آمریکا در ویتنام در دهه ۱۹۶۰، فلوت نقشی مهم در پشت صحنه به‌عنوان دستیار ویژه هنری کبات لاج، سفیر وقت آمریکا، ایفا کرد.

در جریان کودتای مورد حمایت سی‌ای‌ای در نوامبر ۱۹۶۳ که طی آن رئیس‌جمهور ویتنام جنوبی برکنار و ترور شد، به فلوت مأموریت داده شد تا فرزندان خواهر همسر رئیس‌جمهور، زنی که به‌طور رسمی «مادام نو» و به‌طور غیررسمی «بانوی اول ویتنام» شناخته می‌شد، را با یک هواپیمای نظامی آمریکا از کشور خارج کند.

در سال ۱۹۶۵، طبق پرونده میتروخین، فلوت از سی‌ای‌ای به وزارت خارجه منتقل شد.

یک سال بعد، در ژوئیه ۱۹۶۶، زمانی که فلوت برای یک مأموریت کوتاه دیپلماتیک در اسرائیل بود، کاگب بار دیگر تلاش کرد او را به یک مأمور شوروی معرفی کند؛ این بار با نام رمزی «دیتا».

در پرونده آمده است: «او از فلوت به‌عنوان یک جاسوس تمجید کرد، اما فلوت تلاشی برای عمیق‌تر کردن رابطه با او نکرد».

بر اساس آگهی درگذشت او، فعالیت‌های فلوت در ویتنام همچنین شامل مشاوره و ترجمه برای مقامات ارشد آمریکایی، از جمله رابرت مک‌نامارا، وزیر دفاع، و ژنرال مکسول تیلور بود. او همچنین به‌عنوان مشاور رئیس‌جمهور لیندون جانسون فعالیت می‌کرد.

Листья скар. в сотрудничестве ЦРУ и ГРУ.

Решено вербовку "Дулдаса" провести в СССР, ему был вручен бесплатный авиабилет из Джакарты до Нью-Йорка и обратно.

پرواز با ایرفلوت به مسکو

از جمله ادعاهای قابل توجه درباره فلوت این است که کاگب هزینه سفر او را در ژوئن ۱۹۷۴ از جاکارتا به مسکو پرداخت کرد.

فلوت سال پیش از آن به اندونزی اعزام شده بود و به‌عنوان مشاور سیاسی سفیر آمریکا، فرانسیس گالبریت، فعالیت می‌کرد.

در جاکارتا، فلوت به‌طور منظم با چند مقام شوروی در ارتباط بود؛ موضوعی که سال‌ها بعد در مصاحبه‌ای، که اکنون در آرشیو کتابخانه کنگره نگهداری می‌شود، به آن اشاره کرد.

فلوت گفت: «سفیر گالبریت از من خواست اگر ارتباطی با سفارت شوروی وجود دارد، آن را مدیریت کنم. زمان زیادی را صرف ارزیابی وضعیت آن‌ها کردم و یک کانال ارتباطی با آن‌ها برقرار نگه داشتم، در صورتی که به چنین کانالی نیاز پیدا کنیم. چندان وارد مسائل صرفاً اندونزیایی نشدم».

В феврале "Дуглас" ознакомил Клименко с подлинными шортелеграммами о визите зам.госсекретаря по Азии и Дальнему Востоку Ингерсона в Индонезию /политотчет, о перспективах развития между Индонезией и КНР. о политических заключённых в Индонезии/.
Клименко был приглашён Флотом на дом, сопровождал его Сигаев Владле

گفته می‌شود که در ژانویه ۱۹۷۴، فلوت جزئیات گفت‌وگویی میان سفیر آمریکا و وزیر خارجه اندونزی را با یک افسر کاگب با نام رمز «پتراکوف» در میان گذاشت؛ گفت‌وگویی که در آن به پرونده یک دیپلمات آمریکایی پرداخته شده بود که همان ماه در لنینگراد مورد حمله قرار گرفته بود.

فلوت همچنین تلگراف‌های محرمانه وزارت خارجه آمریکا درباره سفر معاون وزیر خارجه را به اشتراک گذاشت. بر اساس پرونده میتروخین، او همچنین برای سفر به اتحاد شوروی ابراز علاقه کرده، اما گفته بود که هزینه بلیت هواپیما بسیار بالاست.

در همان ماه ژانویه، آندروپوف، رئیس کاگب، مجوز خرید بلیت هواپیمای ایرفلوت از جاکارتا به مسکو و سپس نیویورک را در ماه ژوئن ۱۹۷۴ برای فلوت صادر کرد.

در این پرونده آمده است: «با این تصمیم که جذب "داگلاس" در اتحاد شوروی انجام شود، برای او یک بلیت رایگان رفت‌وبرگشت از جاکارتا به نیویورک فراهم شد».

طبق اسناد میتروخین، آندروپوف همچنین به ویکتور چرنیشوف، رئیس اداره اول کاگب، اجازه داد ۱۰ هزار دلار بابت اطلاعاتی که فلوت پیش‌تر ارائه کرده بود به او پرداخت شود، به‌علاوه ۶۰۰ روبل به‌عنوان پول خرجی در مدت اقامتش در مسکو.

بر اساس این اسناد، فلوت از ۱۷ ژوئن تا ۱۰ ژوئیه ۱۹۷۴ در مسکو به‌سر می‌برد. او در این مدت با کارکنان سفارت آمریکا دیدار کرد، اما همچنین با چرنیشوف نیز ملاقات داشت و پذیرفت که پس از پایان مأموریتش در جاکارتا و انتقال به واشینگتن، با افسران کاگب دیدار کند.

Часто консультируется у Флота при подготовке информационных докладов.
Вербовочную беседу поручено провести полковнику Чернышопу В.А.
начальнику отдела Управления "К", с санкции Андропова определено
дать "Дугласу" 10 тысяч долларов и 600 рублей как вознаграждение
за прием и прикрытие сведения. По пути следования он передавался по
чеккистской цепочке. На теплоходе "Кедринский" из Японии в Чехосл

هیچ سابقه عمومی شناخته شده‌ای وجود ندارد که نشان دهد فلوت در ژوئن ۱۹۷۴ به مسکو سفر کرده باشد.

سال بعد، فلوت به واشینگتن بازگردانده شد و در وزارت خارجه روی موضوعاتی از جمله «حقوق بین‌الملل دریاها» کار می‌کرد.

بر اساس پرونده میتروخین، او در سال‌های بعد بیش از ۱۰۰ تلگراف محرمانه وزارت خارجه را درباره موضوعات مختلف به اشتراک گذاشت. در مارس ۱۹۷۸، کاگب اطلاعاتی دریافت کرد مبنی بر این که اف‌بی‌آی ممکن است زیر نظر گرفتن دیدارهای فلوت با مقامات شوروی را آغاز کرده باشد و در نتیجه، ارتباط خود را با او قطع کرد.

Сотрудник резидентуры на встрече 17 мая 1974 года с зам.резидентом ЦРУ "Арнольдом" поинтересовался кто является шефом "Арнольда" в посольстве. "Арнольд", видимо, не совсем точно понял вопрос и назвал Флота. На уточняющий вопрос оперработника является ли Флот также сотрудником ЦРУ "Арнольд" сказал, что об этом в посольстве ведётся

«دوست دارم به مسکو بروم، اما خیلی گران است»

پژوهشگرانی که آرشیو میتروخین را بررسی کرده‌اند، برخی ناهماهنگی‌های جزئی در آن یافته‌اند، اما در مجموع آن را بسیار قابل اعتماد می‌دانند؛ هم به دلیل موقعیت شغلی میتروخین و هم به این خاطر که بسیاری از جزئیات موجود در این اسناد به‌طور مستقل تأیید شده‌اند.

سی‌آی‌ای و دیگر نهادهای اطلاعاتی غربی، پس از آن که ام‌آی‌۶ این پرونده‌ها را در اختیارشان گذاشت، توانستند شمار زیادی از منابع، جاسوسان و «عوامل غیررسمی» را که کاگب طی دهه‌ها در غرب نفوذ داده بود، شناسایی کنند.

مارک کریمر، مدیر برنامه مطالعات جنگ سرد در مرکز دیویس دانشگاه هاروارد، گفت: «او یادداشت‌هایی بسیار دقیق برمی‌داشت. اسناد میتروخین از نظر ضدجاسوسی اهمیت فوق‌العاده‌ای داشتند. بدون تردید، این مجموعه یکی از مهم‌ترین یا در میان یکی دو مجموعه برتر اسناد کاگب است که به‌صورت عمومی در دسترس قرار گرفته‌اند.»



Robert Flott (Courtesy Image)

عکسی بدون تاریخ از فلوت در حالی که در مکانی نامشخص ایستاده است

ریهل در مصاحبه‌ای گفت: «این‌که آن‌ها [فلوت] را تا این حد زیر نظر داشتند، کمی غیرمترقبه است. به نظر می‌رسد مسئولان شوروی معتقد بودند او قابل نزدیک شدن است، بنابراین دو دهه او را زیر نظر گرفتند؛ و این مدت زمان طولانی، نشان‌دهنده صبر زیادی است برای زیر نظر داشتن کسی با این امید که در نهایت کوتاه بیاید.»

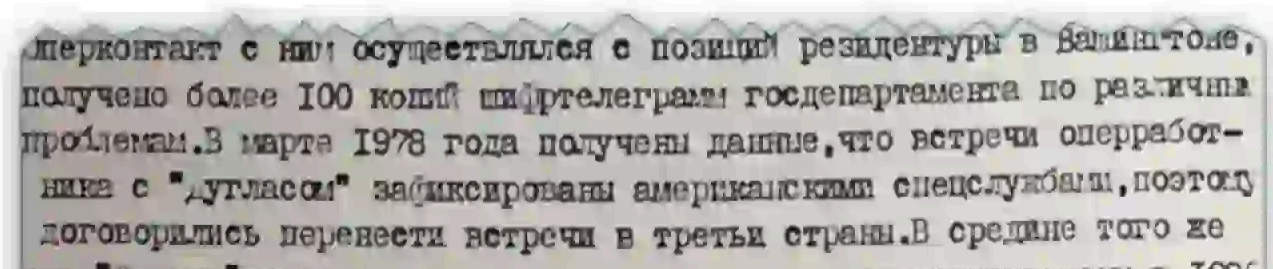
او افزود: «اگر کسی نشانه‌ای از تمایل نشان دهد... و به یک همکار در سفارت شوروی در جاکارتا نزدیک شود و بگوید "دوست دارم به مسکو بروم، اما خیلی گران است"، این دقیقاً یک فرصت قابل بهره‌برداری برای کاگب است. به نظر من بسیار، بسیار محتمل است که چنین اتفاقی افتاده باشد».

در پاسخ به این پرسش که آیا ممکن است تلگراف‌های محرمانه و دیگر اطلاعاتی که فلوت منتقل کرده، در واقع اطلاعات جعلی یا بی‌ارزش بوده باشد، مانند سرخ‌های غلط یا داده‌هایی که پیش‌تر به صورت عمومی در دسترس بوده است، ریپل گفت: چنین کاری مستلزم تلاش قابل توجهی از سوی خود فلوت بوده و هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که وزارت خارجه از چنین اقدامی مطلع بوده باشد.

رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی بر اساس «قانون آزادی اطلاعات»، درخواست‌هایی به وزارت خارجه، افبی‌آی و سی‌آی‌ای ارائه کرده و خواستار دسترسی به پرونده‌های مربوط به فلوت و سوابق کاری او، یا حتی این موضوع شده است که آیا او تحت نظارت افبی‌آی بوده یا نه.

سی‌آی‌ای بلافاصله به درخواست برای اظهار نظر پاسخ نداد.

ریپل همچنین گفت که خودش نیز درخواستی بر اساس قانون آزادی اطلاعات به افبی‌آی ارائه کرده تا مشخص شود آیا این نهاد فلوت را زیر نظر داشته است یا نه، اما به او گفته شده که هیچ پرونده‌ای در این زمینه پیدا نشده است.

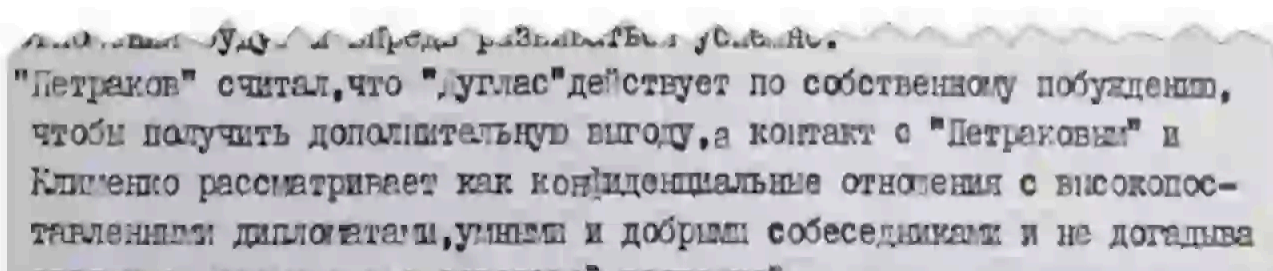


Контакт с ним осуществлялся с позиций резидентуры в Вашингтоне, получено более 100 копий шифротелеграмм госдепартамента по различным проблемам. В марте 1978 года получены данные, что встречи оперработника с "Дугласом" зафиксированы американскими спецслужбами, поэтому договорились перенести встречи в третьи страны. В середине того же

«آن زمان کارهای وحشتناکی علیه روس‌ها می‌کردیم»

فلوت پس از بازنشستگی در سال ۱۹۷۸، در آپارتمانی نه چندان دور از مجموعه مشهور واترگیت در واشینگتن زندگی می‌کرد و به‌عنوان مشاور با شرکت‌های خصوصی، از جمله غول نفتی عربستان، آرامکو، همکاری داشت.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، او با ماتیکس همکاری می‌کرد و تلاش داشت برنامه‌های آموزش از راه دور مبتنی بر ماهواره را در ازبکستان و دیگر کشورهای تازه‌استقلال‌یافته راه‌اندازی کند.



"Петраков" считал, что "Дуглас" действует по собственному побуждению, чтобы получить дополнительную выгоду, а контакт с "Петраковым" и Климентьев рассматривает как конфиденциальные отношения с высокопоставленными дипломатами, уполномоченными и добрыми собеседниками и не догадыва

ماتیکس در مصاحبه‌ای گفت: «فرد یک‌بار به شوخی گفت "آن زمان ما کارهای وحشتناکی علیه روس‌ها می‌کردیم." من می‌توانستم حدس بزنم منظورش چه جور کارهایی بوده، اما حتی با اهرم هم نمی‌شد واقعیت ماجرا را از زیر زبان او بیرون کشید».

فلوت که هرگز ازدواج نکرد، هنگام مرگ در سال ۲۰۰۶ وارث مستقیمی نداشت. خواهرزاده و برادرزاده‌اش کار تخلیه آپارتمان‌ش در واشینگتن را انجام دادند و در میان یادگاری‌های دهه‌ها سفر و مأموریت‌های خارجی‌اش جست‌وجو کردند: اسلحه‌ها، سمورهاها، فرش‌ها.

خانواده با اداره پلیس واشینگتن تماس گرفتند تا مجموعه‌ای از هفت «مسلسل» و مهماتی را که فلوت جمع‌آوری کرده بود، از آن‌جا منتقل کنند.



آگهی ترحیم فلوت در روزنامه شیکاگو تریبون در اوت ۲۰۰۶

سینتیا کارپنتر، خواهرزاده فلوت، گفت نشانه‌هایی هم از ارتباطات حرفه‌ای که فلوت در طول سال‌ها برقرار کرده بود وجود داشت: نامه‌ای شخصی از رابرت اف. کندی که در آن از فلوت به خاطر حضورش در مراسم خاکسپاری برادرش پس از ترور جان تشرکر کرده بود؛ و یک پالتوی گران‌قیمت که هنری کابوت لاج به او داده بود.

خانواده با شگفتی متوجه شدند که یک حساب بانکی در سوئیس به نام او وجود دارد که برای تسویه دارایی‌هایش باید بسته می‌شد.

کارپنتر گفت وقتی توصیف فعالیت‌های فلوت در پرونده‌های کاگ‌ب را شنید، شوکه شد.

او در مصاحبه‌ای از خانه‌اش در کارولینای جنوبی گفت: «اصلاً با عقل جور در نمی‌آید. او به شدت ضدکمونیست بود. این‌که او جاسوس بوده، انگار همیشه تا حدی مطرح بود، اما واقعاً نمی‌توانم تصور کنم که برای روس‌ها جاسوسی کرده باشد».

این مطلب بخشی از:

گزیده‌هایی از رادیو آزادی

فراتر از خبر

از گوشه و کنار جهان

بایگانی